



فهرست مطالب

۲	..... مقدمه
۲	..... مناقشات بر نظریه اول در مدلول صیغه نهی
۲	..... مناقشه اول
۲	..... مناقشه دوم: عدم تناسب طلب ترک با ملاک نواهی
۲	..... رد مناقشه: شخصی بودن ادعای عدم تناسب
۳	..... مناقشه سوم: عدم وجود لفظی دال بر معنای ترک در کلام
۳	..... رد مناقشه: مدلول هیئت، ترکیب طلب و ترک
۴	..... مناقشه چهارم: بعث و زجر، متبادر از صیغه امر و نهی
۴	..... نظر استاد: جمع بین قول مشهور متقدمین و متأخرین



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

بحث در بررسی نظریه اول در مدلول و موضوع له صیغه و هیئت نهی می‌باشد. نظریه اول در مدلول صیغه نهی این است که مدلول صیغه نهی طلب ترک می‌باشد.

## مناقشات بر نظریه اول در مدلول صیغه نهی

### مناقشه اول

در جلسه قبل مناقشه اول به این نظریه مطرح شد و پاسخ داده شد.

### مناقشه دوم: عدم تناسب طلب ترک با ملاک نواهی

مناقشه دومی که بر نظریه اول وارد شده است این است که بین امر و نهی در مرتبه ملاک تفاوت وجود دارد. اوامر ناشی از وجود مصالح و نواهی ناشی از وجود مفاسد می‌باشند. آنچه لازم است به آن توجه شود این است که مدلول صیغه امر و صیغه نهی باید متناسب با این ملاکات باشد. در ناحیه صیغه امر آنچه به عنوان طلب ترک ذکر شده است و متأخرین از آن به بحث تعبیر می‌کنند، با ملاک صیغه امر که مصالح هستند، تناسب دارد اما در ناحیه صیغه نهی، آنچه در مدلول صیغه نهی ذکر شده است یعنی طلب ترک با ملاک صیغه نهی که مفاسد می‌باشد، تناسب ندارد بلکه آنچه متناسب با این ملاک است زجر و منع می‌باشد آری طلب ترک را می‌توان به عنوان ملازم زجر و منع ذکر کرد.

### رد مناقشه: شخصی بودن ادعای عدم تناسب

این مناقشه، مناقشه قوی و مستدلی نیست چون همان‌گونه در مناقشه، ادعای عدم تناسب ملاک نواهی با طلب ترک شده است و چه بسا ممکن است در ابتدا هم به ذهن خطور کند که متناسب با وجود مفاسد زجر و منع می‌باشد، طرف مقابل هم می‌تواند ادعای تناسب طلب ترک با وجود مفاسد را کند لذا این مناقشه، مناقشه مهمی نیست و معمول محققین به این مناقشه توجهی نکرده‌اند.



## مناقشه سوم: عدم وجود لفظی دال بر معنای ترک در کلام

مناقشه سومی که در کلام شهید صدر و آقای وحید حفظه الله بر نظریه اول شده است و جنبه اثباتی دارد این است که در اوامر مثل اضرب دو دال و دو مدلول وجود دارد و که باهم تناظر دارند، در اضرب دو دال وجود دارد یکی هیئت و صیغه افعَل و دیگری ماده ضرب و دو مدلول وجود دارد که طلب فعل ضرب است و هیئت بر طلب دلالت می‌کند و ماده آن بر فعل که همان ضرب است دلالت می‌کند و از این حیث مشکلی وجود ندارد اما در نهی مثل لاتضرب دو دال وجود دارد و سه مدلول که تناظری بین آن‌ها وجود ندارد. طبق آنچه در این نظریه بیان شده است مدلول صیغه نهی طلب ترک فعل می‌باشد پس در کلام سه مدلول وجود دارد مدلول اول طلب می‌باشد مدلول دوم ترک می‌باشد و مدلول سوم فعل می‌باشد که در این بین و بنا بر آنچه صاحبان این نظریه می‌گویند، مدلول هیئت نهی مانند هیئت امر طلب می‌باشد و تفاوت این دو در متعلق طلب می‌باشد پس هیئت نهی فقط دلالت بر طلب می‌کند و ماده آن دلال بر فعل می‌کند اما در این بین معنا و مدلول ترک می‌ماند که دالی بر آن وجود ندارد. ممکن در جواب اینکه دال ترک چیست سه پاسخ داده شود که هر سه این پاسخ‌ها غلط می‌باشد پاسخ اولی که ممکن است داده شود این است لفظ و یا دال سومی وجود دارد که بر آن دلالت می‌کند که ادعا کننده این لفظ و دال سوم را باید مشخص کند و نشان دهد چون دال سومی در کلام وجود ندارد. ممکن است ادعا شود که دال بر ترک، ماده ضرب است که این خلاف ظاهر می‌باشد چون ماده ضرب فقط برزدن و ضرب دلالت دارد نه چیز دیگر. همچنین ممکن است ادعا شود که هیئت نهی بر ترک دلالت می‌کند که در پاسخ باید گفت اولاً این مطلب خلاف فرض مدعیان نظریه اول می‌باشد چون طبق آنچه ادعا شده بود مدلول امر و نهی، طلب می‌باشد و فرق آن دو در متعلق طلب می‌باشد نه در هیئت ثانیاً این ادعا، مستلزم این است که یک معنای اسمی که ترک است مدلول هیئت که دال و معنای حرفی است باشد و این خلاف تبادرات و انسباقات ذهنی و ارتکازات از یک معنای حرفی می‌باشد.

## رد مناقشه: مدلول هیئت، ترکیب طلب و ترک

در جواب به این مناقشه باید گفت درست است که ماده نهی بر ترک دلالتی ندارد همچنین لفظ و دال سومی هم که دلالت بر نهی کند، وجود ندارد اما به خلاف نظر شما می‌توان هیئت را دال بر ترک گرفت اما به ترک نه به عنوان عنصر مستقل بلکه آنچه مدلول هیئت است ترکیب طلب و ترک به عنوان متعلق طلب می‌باشد و از این جهت که یک عنوان مرکب مدلول یک هیئت باشد، اشکالی وجود ندارد و بسیاری از الفاظ وجود دارند که برای معنای مرکبی وضع شده‌اند و



هیچ منع عقلی و عرفی در این رابطه وجود ندارد و اینکه گفته شد ترک، معنای اسمی است و هیئت، دال و معنای حرفی، باید گفت ترک به عنوان یک معنا و عنصر مستقل وجود ندارد تا این مشکل مطرح شود بلکه ترک به عنوان متعلق طلب که معنای حرفی است می باشد و موضوع له و مدلول اصلی همان طلب می باشد و اشکالی در این مطلب وجود ندارد و می توان هیئت نهی را برای مدلول مرکب ترک طلب وضع و اعتبار کرد. عین این اشکال در صیغه امر هم وجود دارد چون مدلول صیغه امر طلب ایجاد فعل است و این مباحث در مورد ایجاد هم قابل طرح است چون مدلول ماده معنای مصدری نیست بلکه مدلول ماده، اسم مصدری و طبیعت صرف است و هیچ دلالتی بر انجام یا ترک نمی کند. پس آنچه در مناقشه گفته شد که در نهی بین دال و مدلول تناظر وجود ندارد، تام نیست و قابل پاسخ می باشد و می توان بیان اولیه در نظریه مشهور متقدمین را به این شکل اصلاح کرد.

### مناقشه چهارم: بعث و زجر، متبادر از صیغه امر و نهی

سه مناقشه قبل پاسخ داده شد اما مناقشه چهارمی که بیان شده است و در واقع استدلال مشهور متأخرین که قائل به این هستند که بعث و زجر، مدلول امر و نهی می باشد، این است که متبادر از صیغه و هیئت امر و نهی در مقام اعتبار بعث و زجر اعتباری و انشایی می باشد و در ضمن در صیغه نهی معنای زجر متناسب با مفهوم لغوی زجر که منع و ردع است، می باشد و این معنای حرفی بامعنای اسمی نهی تناسب و توازن دارد.

### نظر استاد: جمع بین قول مشهور متقدمین و متأخرین

این اشکال و دلیل تا حدی صحیح به نظر می رسد و آنچه مدنظر ما می باشد این است که قائل به قول چهارمی که جمع بین قول مشهور متقدمین و مشهور متأخرین است، شویم.